

حکایت قاضی و صوفی

تألیف مولانا جلال الدین محمد بلخی

مبس نسخہ ریٹولڈ نیکلسون

انتشارات وفاق

تہران ۱۳۹۳

حکایت قاضی و صوفی

مولانا جلال الدین محمد بلخی

ناشر: خوشاق

ناظر چاپ: اکرم رحیمی

تیراژ: ۲۰۰

نوبت چاپ: اول ۱۳۹۳

شابک: ۹۷۸-۶۰-۷۴۵۱-۰۵-۲

قیمت: ۸۰۰۰ تومان

انتهای خیابان امام خمینی کوچه بیات پلاک ۹

۰۹۱۹۹۱۱۸۳۱۰ ۶۶۸۳۰۲۱۵

voshaghpub@gmail.com

مولوی، جلال‌الدین محمد بن محمد، ۶۰۴ - ۶۷۲ ق.

مثنوی برگزیده

حکایت قاضی و صوفی / تألیف مولانا جلال‌الدین محمد بلخی

نهران: خوشاق، ۱۳۹۳.

۲۳۸ ص.

978-600-7451-05-2

فیبا

شعر فارسی - قرن ۷ ق.

نیکلسون، رنالد الین، ۱۸۶۸ - ۱۹۴۵ م.

Nicholson, Reynold Alleyne

PIR ۶۲۹۹ / ۱۷ ۱۳۹۳ ت

۳۱/۱۶۹

۳۴۵۶۲

میراثنامه

عنوان قراردادی

عنوان و نام پدیدآور

مشخصات نشر

مشخصات ظاهری

اکی

و فرمات فهرست نویسی

ضوح

نامه آت

شماره درج

رده بندی کنگره

رده بندی سی

شماره کتابشناس

فهرست

مقدمه.....	۹
بسم الله الرحمن الرحيم.....	۱۱
والله اعلم از ماضی که بر سر ریض شهری نشسته باشد سر او.....	۱۶
نکور بدن نه سوسن می پوسیده را که مانع ذوق ایمان و دلیل.....	۱۹
مناجات و ناله استن حق از فتنه‌ی اختیار و از فتنه‌ی.....	۲۰
حکایت غلام هندو که به غلام زاده‌ی خود پنهان هوا.....	۲۲
صبر فرمودن خواجه ماهر که غلام را زجر مکن من.....	۲۴
در بیان آنکه این غرور تنه‌ی آلوده را بود.....	۲۵
در عموم تأویل این آیت که کُلُّكُمْ رَاغِبٌ إِلَىٰ الْحَرْبِ.....	۲۷
قصه‌ی هم در تقریر این.....	۲۷
و انمودن پادشاه به امر او و متعصبان در رایاز.....	۲۸
مدافعه‌ی امرا آن حجت را شبهه‌ی جبر یانه و جبر.....	۲۹
حکایت آن صیّادی که خویشتن در گیاه پیچیده بود.....	۳۱
حکایت آن شخص که دزدان قوچ او را بدزدیدند و بر.....	۳۲
مناظره‌ی مرغ با صیّاد در ترهّب و در معنی ترهّب که.....	۳۳
حکایت آن پاسبان که خاموش کرد تا دزدان رخت.....	۳۴
حواله کردن مرغ گرفتاری خود را در دام به فعل و مکر.....	۳۵
حکایت آن عاشق که شب بیامد بر امید وعده‌ی معشوق بدان.....	۳۶
استدعای امیر ترک مخمور مطرب را به وقت صبح و تفسیر.....	۴۱
در آمدن ضریر در خانه‌ی مصطفی و گریختن عایشه.....	۴۲

- ۴۳ امتحان کردنِ مصطفی عایشه را که چه پنهان می‌شوی
- ۴۴ حکایت آن مطرب که در بزم ترک این غزل آغاز کرد
- ۴۵ تفسیر قوله مَوْتُوا قَبْلَ أَنْ تَمُوتُوا
- ۴۷ تشبیه مغفلی که عمر ضایع کند و وقت مرگ در آن تنگاتنگ
- ۴۸ نکته گفتنِ آن شاعر جهت طعن شیعی‌ی حلب
- ۴۹ تمثیل مرد حریص نابیننده رزاقی حق را و خزاین
- ۵۰ داستان آن شخص که بر در سربایی نیم شب سحوری می‌زد
- ۵۲ قصه آن اُحد گفتنِ بلال در حَرّ حجاز از محبت
- ۵۵ برداشتنِ صدیقِ واقعی بلال را و ظلم جهودان
- ۵۷ وصایایِ مصطفی صدیقِ راکه چون بلال را
- ۵۹ خندیدنِ جهود به داشتنِ که صدیقِ مغبون است در این عقد
- ۶۱ معاتبه‌ی اصحابی با صدیق که تو را وصیت کردم
- ۶۲ قصه‌ی هلال که بنده‌ی برادر بود خدای را صاحب
- ۶۳ حکایت در تقریرِ سخن
- ۶۴ مثل
- ۶۵ رنجور شدنِ این هلال و بی‌خوابیِ خواجه و از رنجوری
- ۶۶ درآمدنِ مصطفی از بهر عبادتِ هلال در خوابگاه
- ۶۶ در بیان آنکه مصطفی شنید که عیسی بر سرِ آب و بن
- ۶۸ داستان آن عجزه که روی زشت خویشتن را در آینه
- ۶۹ داستان آن درویش که آن گیلائی را دعا کرد که خدا تو را
- ۶۹ صفت آن عجزه
- ۶۹ قصه‌ی درویش که از آن خانه هر چه می‌خواست
- ۷۰ رجوع به داستان آن کمپیر
- ۷۱ حکایت آن رنجور که طبیب در او امید صحت ندید
- ۷۳ رجوع به قصه‌ی رنجور

۷۵	قصه‌ی سلطان محمود و غلام هندو
۷۸	لَيْسَ لِلْمَاضِيْنَ هَمُّ الْمَوْتِ إِنَّمَا لَهُمْ حَسْرَةُ الْقَوْتِ
۸۰	بار دیگر رجوع کردن به قصه صوفی و قاضی
۸۳	طیره شدن قاضی از سبلی درویش و سرزنش کردن صوفی
۸۴	جواب دادن قاضی صوفی را
۸۵	سؤال کردن آن صوفی قاضی را
۸۵	جواب گفتن آن قاضی صوفی را
۸۷	سؤال دادن صوفی از آن قاضی
۸۷	جواب دادن آن قاضی صوفی را و قصه‌ی تُرک و درزی را
۸۸	قال النبی ﷺ: لَيْسَ الْحَيَاةُ عَلَى لِسَانِ الْوَاعِظِينَ
۸۸	دعوی کردن آن صوفی و گفتن او که درزی از
۸۹	مضاحک گفتن درزی و تُرک را از قوت خنده بسته شدن
۹۰	گفتن درزی تُرک را همی موسیقی مضاحک
۹۱	بیان آنکه بیکاران و افسانه‌جویان مثلاً آن تُرک و عالم غُزار
۹۱	مثل
۹۲	باز مکرر کردن صوفی سؤال را
۹۲	جواب دادن قاضی صوفی را
۹۳	حکایت در تقدیر آنکه صبر در رنج کار سهل‌تر از صبر
۹۴	مثل
۹۶	باقی قصه‌ی فقیر روزی طلب بی واسطه‌ی کسب
۹۹	قصه‌ی آن گنج‌نامه که پهلوی قبه‌ی بی روی به قبله کن و
۱۰۰	تمامی قصه‌ی آن فقیر و نشان جای آن گنج
۱۰۱	فاش شدن خبر این گنج و رسیدن به گوش پادشاه
۱۰۲	نومید شدن آن پادشاه از یافتن آن گنج و ملول شدن
۱۰۲	باز دادن پادشاه گنج‌نامه را به آن فقیر که بگیر ما

- حکایت مرید شیخ حسین خرقانی ۱ ۱۰۵
- پرسیدن آن وارد از خرم شیخ که شیخ کجاست کجا جویم و ۱۰۶
- جواب گفتن مرید و زجر کردن مرید آن طعانه را از ۱۰۷
- واگشتن مرید از وثاق شیخ و پرسیدن از مردم و نشان ۱۰۹
- یافتن مرید مراد را و ملاقات او با شیخ نزدیک آن بیشه ۱۰۹
- حکمت در آئی جاعل فی الأرض خلیفه ۱۱۰
- معجزه‌ی هود در تخلص مؤمنان امت به وقت نزول باد ۱۱۲
- رفتن کردن به قصه‌ی قبه و گنج ۱۱۵
- توبت آن طالب گنج به حق تعالی بعد از طلب بسیار ۱۱۶
- آواز آمدن مرید مر طالب گنج را و اعلام کردن از حقیقت ۱۱۹
- حکایت سه نفر مسلمان و ترسا و جهود که به منزل ۱۲۰
- حکایت اکتاف که در راه بند گیاه یافتند ۱۲۴
- مثل ۱۲۴
- جواب گفتن مسلمان به دیدن یا جهود و ترسا ۱۲۵
- متادی کردن سید ملک تبریز که در سه یا چهار روز به ۱۲۶
- حکایت تعلق موش با چغز و پاشن پای هر دو به وشته‌ی ۱۳۲
- تدبیر کردن موش به چغز که من نمی‌توانم بر تنم ۱۳۳
- مبالغه کردن موش در لایه و زاری و وصیت چغز ۱۳۴
- لایه کردن موش مر چغز را که بهانه میندیش و پرسیدن ۱۳۶
- حکایت شب دزدان که سلطان محمود شب در میان ۱۴۰
- قصه‌ی آنکه گاو بحری گوهر کاویان از قعر دریا برآورد شب ۱۴۵
- رجوع کردن به قصه‌ی طلب کردن آن موش آن چغز را لب ۱۴۶
- قصه‌ی عبدالغوث و ربودن پریان او را و سال‌ها میان ۱۴۷
- داستان آن مرد که وظیفه‌ی داشت از محتسب تبریز و اماها ۱۴۹
- آمدن جعفر به گرفتن قلعه‌ی به تنهایی و مشورت کردن ۱۵۰

رجوع کردن به حکایت آن شخص وام کرده و آمدن او	۱۵۴
باخیر شدن آن غریب از وفات آن محتسب و استغفار او از	۱۵۴
مثّل دو بین همچو آن غریب شهر کاش عمر نام که از یک	۱۵۹
توزیع کردن پایمرد در جمله‌ی شهر تبریز و جمع شدن اندک	۱۶۰
دیدن خوارزمشاه؛ در سیّوان در موکب خود اسبی بس نادر	۱۶۴
مؤاخذه‌ی یوسف صدّیق به حبس بضّع بینین به سبب	۱۶۷
رجوع کردن قصّه‌ی آن پایمرد و آن غریب و امداد و	۱۷۲
خواب کردن در خواب به آن پایمرد و جوه وام آن دوست را	۱۷۳
حکایت آن پادشاه و وصیت کردن او سه پسر خویش را	۱۷۵
بیان اسیر شدن از قفس از سر ششمه‌ی حیات ابدی و مستغنی	۱۷۶
روان شدن پادشاهان و سالک پدر بعد از وداع	۱۷۸
رفتن پسران سلطنت به حکایت آن انسان خریص علیّ ما مَنیع	۱۸۱
دیدن ایشان در قصر این المعبودات تصویر نقش روی دختر	۱۸۳
حکایت صدر جهان بخارا که هر سائال که زبان بخواستی از	۱۸۵
حکایت آن دو برادر یکی کوسه و یکی برادر در عزب خانگی	۱۸۷
در تفسیر این خبر که مصطفی فرمود منته مان لا یجعلن	۱۸۹
بحث کردن آن سه شهزاده در تدبیر آن واقعه	۱۹۰
مقالّت برادر بزرگین	۱۹۰
ذکر آن پادشاه که آن دانشمند را به اکراه در مجلس آورد و	۱۹۱
روان گشتن شاهدان بعد از اتمام بحث و ماجرا به	۱۹۴
حکایت امرئ القیس که پادشاه عرب بود و به صورت عظیم به	۱۹۴
بعد مکث ایشان متواری در بلاد چین در شهر تخت‌گاه و بعد	۱۹۶
بیان مجاهد که دست از مجاهده باز ندارد اگر چه داند بسطت	۲۰۳
حکایت آن شخص که خواب دید که آنچه می‌طلبی از یسار	۲۰۵
سبب تأخیر اجابت دعای مؤمن	۲۰۵

- رجوع کردن به قصه‌ی آن شخص که به او گنج نشان ۲۰۶
- رسیدن آن شخص به مصر و شب بیرون آمدن به کوی از بهر ۲۰۷
- بیان این خبر که الْكَذْبُ رِيَّةٌ وَالصَّدْقُ طَمَئِينَةٌ ۲۰۸
- مثل ۲۱۱
- بازگشتن آن شخص شادمان و مراد یافته و خدای را ۲۱۱
- مکثر کردن برادران پند دادن بزرگین را و تاب نآوردن او ۲۱۳
- مفتون شدن قاضی بر زن جوخی و در صندوق ماندن و تائب ۲۱۶
- زن قاضی به خانم زن جوخی و حلقه زدن ۲۱۷
- بدن تائب قاضی میان بازار و خریداری کردن ۲۱۹
- در بازار خبر که مصطفی فرمود مَنْ كُنْتُ مَوْلَاةً ۲۲۰
- باز آمدن قاضی به محکمه‌ی قاضی سال دوم بر ۲۲۱
- باز آمدن قاضی به شاهزاده و ملازمت او در ۲۲۳
- در بیان آنکه دو کوی قنطری صراط بر سر اوست ای ۲۲۴
- موقوف شدن بزرگین به سبزه‌داری و آن برادر میانین به ۲۲۵
- و سوسه‌یی که پادشاه از پید شدن از سبب استغنائی و ۲۳۰
- خطاب حق به عزرائیل که تو رحیم بر که شتر ۲۳۲
- کرامات شیخ شیبان راعی ۲۳۳
- رجوع کردن به قصه‌ی پروردن حق تعالی مرم ۲۳۴
- رجوع کردن بدان قصه که شاهزاده زخم خورد ۲۳۵
- وصیت کردن آن شخص که بعد از او برد مال مرا ۲۳۶
- مثل ۲۳۷

